

ذخیره آخره من باشد مرا بهتر است از دنیا و ما فیها پس
 ازین سخن بسیار خوش آمد و او را مال و اموال بچند
 بخشید که تا از سر فاهیت تحصیل علم مشغول
 شود پس این حکایت ترا معلوم شد که اگر کسی هزار
 هنر دارد و علم ندارد پس آن هنرها را قدری نیست
 و اگر هنر اعیب دارد و عالم است از بزرگه نور علم آنها
 همه هنر میگذرد پس دانستی که پادشاهان از زمان
 علم دوست میداشتند و پادشاهان زمان ما مال دوست
 میدادند و در این خون مسلمانان میریزند و ظلم و ستم
 میکنند همه محبت مال **الهی** ازین ظلم نوری کرامت فرماید
 و حق تعالی علم را نور خوانده است که **و انزلنا الیکم**
نورا مبینا و جای دیگر فرمود **واتبعوا النور الذی**
انزل علیک دیگر فرمود **والنور الذی انزلناه**
 و نادانی را بنظایر تشبیه فرموده و کافران را اول علم
 الیقین حاصل نشود بنور ایمان مهتدی نشوند و ساحران

فرعون

فرعون علم الیقین و محقق الیقین و حق الیقین
 هر سه را بوده پس فضیله علم در آیات و احادیث بسیار
 آمده و ما درین فصول شمه بیان کنیم غرض آنکه در طلب علم
 میباید بود که البته طالب روزی مطلوب رسد که **و من طلب**
کسیا وجد وجد و این علم دام معرفت است تا مگر شاه باز
 قدس تجلی کند و این کس را از ما سوی الله برساند و از خود
 فانی شود و از یقین گوید که **فقد ایاق** پس آن یقین
 کیمیای علم در وی اثر کرده باشد که نور ولایت از دل او بیرون
 و ظاهر و باطن او بدان نور منور شود و اسرار هر اشیا
 بر دل او منکشف شود آن وقت علم او نفعی بوی رساند
نقلت که امام غزالی رحمه الله علیه بر آری داشت
 آن زمان که گاهی بصیحت هم دیگر میرسیدند و امام
 بعلم ظاهر پس میبرد و در این بنصیف مشغول بودی
 چنانکه مشهور است که هزار کم یک کتاب در علوم تصنیف
 کرده است از آن جمله سه کتاب در فقه تصنیف او است